

خلاف آمدِ عادت

(ملامتیه و بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات عطار، عراقی و حافظ)

مؤلف:

دکتر علی نجفی

عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۷

تقدیم به تمام معلمان و استادان و همکاران خودم در طول دوران تحصیل و تدریس و همه کسانی که علم و دانش و معرفت به بنده ارزانی داشته اند. برای رفتگان از دار دنیا غفران الهی طلب دارم و به زندگان ازین جمع صحت و عافیت و سعادت آرزو مندم.

شابک	978-600-309-399-7
شماره کتابشناسی ملی	۵۳۴۹۰۶۷
عنوان و نام پدیدآور	خلیف احمد عادت : (ملامتیه و بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات ملا رهی حافظ) / مؤلف علی نجفی.
مشخصات نشر	تهران : آوای تور: آثار فکر، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۳۳۶ ص.
موضوع	عطار، محمد بن ابراهیم، ۹۵۳۷ - ۱۰۲۷ق -- عرفان
موضوع	Attar, Farid al-Din, d. ca. 1230 -- Mysticim
موضوع	عراقی، ابراهیم بن بزرگمهر، ۶۱۰ - ۹۶۸۸ق -- عرفان
موضوع	Eragi, Ebrahim ibn Bozorgmehr -- Mysticism
موضوع	حافظ، شمس‌الدین محمد، ۷۹۲ق -- عرفان
موضوع	Hafiz, Shamsoddin Muhammad, 14th century -- Mysticism
موضوع	ملامتیه Malamatiyah
موضوع	شعر عرفانی -- تاریخ و نقد و criticism -- History and
موضوع	Persian poetry -- History and criticism -- تاریخ و نقد
رده بندی دیویی	۸۸۴/۲۹۷
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ۸خ۳/۸/۲۹۷BP
سرشناسه	نجفی، علی، ۱۳۴۴ -
وضعیت فهرست نویسی	فیبا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۷۳۵۵ / پورنگ: ۶۶۴۸۰۸۸۲

خلاف آمدِ عادت

(ملامتیه و بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات عطار، عراقی و حافظ)

مؤلف: دکتر علی نجفی

ناشر: انتشارات آوای نور

ناشر همکار: انتشارات آثار فکر

صفحه‌آرا: منیرالسادات حسینی

چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۳۹۹-۷

قیمت ۳۳۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۷	مقدمه.....
۱۲	چند توضیح ضروری و عرض سیاس.....
۱۵	پیشگفتار.....
۱۹	فصل اول
۱۹	بخش اول : ملامتینه
۱۹	پیشینه اندیشه ملامتی.....
۲۰	نظر جویری درباره ملامتیه.....
۲۱	باب المدمه.....
۲۸	نظر محیی الدین عربی درباره فرقه ملامتیه.....
۳۱	نظر عزالدین محمد کاشانی درباره ملامتیه.....
۳۴	علل ظهور مکتب ملامی و زمان و مکان آن.....
۳۸	ارتباط ملامتیان با اهل فتوت.....
۴۲	کلیتوں.....
۴۸	ارتباط اهل فتوت با ملامتیه.....
۵۱	خلاصه‌ای از اصول و وصایای مشایخ ملامتیه.....
۵۴	ارزیابی و نقد و تحلیل اندیشه‌های اهل ملامت.....
۵۸	تحلیل اصول مهم ملامتیه.....
۶۲	اهل صحو و اهل سکر.....
۶۴	وجه تمایز صوفی و ملامتی.....
۶۷	بخش دوم: قلندریه
۶۷	ریشه‌یابی و نقد و تحلیل فرقه قلندریه.....
۷۴	واژه «قلندر» و سابقه آن در ادب فارسی.....
۸۱	قلندر و قلندریه.....
۸۴	نظر مقریزی درباره قلندریه.....
۸۴	نظر سهروردی درباره قلندریه.....
۸۵	نظر نورالدین عبدالرحمان جامی درباره قلندریه.....
۸۶	آداب قلندران.....
۸۸	قلندران و اهل فتوت.....
۹۱	لامت گشی جوانمردان.....

۹۲	 ملامتیه و قلندریه
۹۳	 آیین قلندریان
۹۴	 میراث قلندریه

فصل دوم بخش اول: بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات عطار

۹۷	 چشم‌انداز عصر عطار
۹۸	 جاذبه‌های صوفیگری عصر عطار
۹۹	 تصوّف عطار
۱۰۴	 غزلیات عطار
۱۲۴	 قلندریات عطار
۱۴۳	 خردمندان درباره رفتار عطار چه کسانی هستند؟
۱۴۴	 عرفان عاشقانه در غزلیات عطار
۱۵۹	 عشق از نگاه عطار

بخش دوم: بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات عراقی

۱۶۶	 عراقی و گرایش او به فرقه قلندریه
۱۷۵	 شعر عراقی
۱۷۹	 غزل عراقی
۱۸۷	 اندیشه عراقی
۱۹۱	 عشق از نگاه عراقی
۲۰۰	 جمال ساقی در شعر عراقی
۲۰۴	 مکتب‌ها و طریقه‌های عرفانی زمان عراقی
۲۰۷	 نکات عرفانی و اجتماعی غزلیات عراقی

بخش سوم: بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات حافظ

۲۳۷	 بحث در معانی و مفاهیم رند و رندی
۲۴۶	 فهم رندی حافظ
۲۸۵	 اندیشه‌های ملامتی حافظ
۳۰۰	 ابیات رندانه حافظ

توضیح برخی واژه‌ها

فهرست منابع و مآخذ

در خلاف آمدِ عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

حافظ

اگر از خامی و بی غمی، یا از قضای روزگار، گذارت به کوی رندان و عاشقان افتاد نا
شکیبایی و کژتابی مکن، تا دل مبتلای بلا نشده سر به زیر و شتابان بگذرد.

«بر حذر باش که سر می شکند دیوارش»

اهل کام و ناز را در کوی رندی، راه نیست رهروی باید جهانسوزی، نه خامی، بی غمی

حافظ / غزل ۴۷۰

ولی اگر، باز از رنگ و ریا، رمیده از تزویر، مذهب عاشقی پیشه کرده‌ای و شیوه‌ی
رندی، درنگ مکن به تردید و ملالت به خود راه مده، دگر از سرزنش مدعی بی خبر و
زاهد خود بین مترس و اگر سوت همنشینی رندان قلندر وش میخواره مست، ترا
سرخوشانه به کوی ترسایان و مغالین ببرد، کشانیده است چه جای اندیشه؟ دل بر
کف نه پیش بیا اقرار بندگی کن و اظهار جراتی، چرا که:

«در کوی عشق، شوکت شاهی نمی‌رند»

«اینجا دل‌دین را خریدارند، نه دل‌گلین را» متسوب به بایزید بسطامی که گفت:

«آن دل‌دین به، نه دل‌گلین»^۱

اینجا سرزمینی است که ایمان فلک رفته به باد. چنانکه سناشانی و کج کلاهانی که
مغروران، سر به آسمان می‌ساییدند اما که، سلسه موی دوست آنها را از فراز تخت نخوت
به زیر کشیده در میکده عشق به سبکشی وا داشته است.

بس، سر گردنکشان کاندلر جهان پست شد چون خاک، زیر پای عشق

ولی عشق، چنان که افتد و دانی از مقتضیات ایام حیات است و بیشتر با شور و شوق و
تردماغی عهد شباب، مأنوس است اما از تاب کمند زلفش هیچ کس غافل و ایمن نتوان
بود. ای بسا تاری از آن گیسوی عنبر فشان، زاهد خلوت نشین، صوفی عزلت گزین،
عابد مردم گریز و شیخ کهنسال را، شوریده و شیدا، از گوشه محراب، کنج خانقاه، زاویه

رباط و رواق مقرنس مدرسه، سراندازن و دست افشان و پای کوبان، به کوی و بازار کشانیده، سرگشته و دلخسته و زار به خرابات نشانیده است.

بررسی کامل خصوصیات ملامتیه و قلندریه بیرون از حوصله و هدف این اثر است. در اینجا با وظیفه‌ای بس دشوار در فرصتی کوتاه اجمالاً به شرح پیدایش و تکامل شاخصه‌های مهم این دو فرقه خواهم پرداخت، بی آن که مدعی جامعیتی در پژوهش خود باشم. کانون توجه در این نوشتار بررسی اندیشه‌های ملامتی در سه قطب فکری سترگ یعنی «عطار، عراقی و حافظ» است که هر کدام برای خود پدیده‌ای ممتازند. زمینی که این درختان تنومند از آن روییده و سر به فلک ساییده‌اند خاک ایران است و این یکی از بزرگترین افتخارات فرهنگ و تمدن ایرانی است که توانسته است چنین بزرگانی را از خاک خود بر آورد و آن را برای دل و جان ملت ایرانی پرورش دهد و منظور از ملت ایرانی، اشاره به کلّ دنیای فارسی زبان بوده و هست. با توجه به جایگاه عظیم آنان در تاریخ عراق اسلامی اهمیت و عمق دستاوردهای فکری آنها را نباید نمی‌توان به عرفان محدود برد. آنها هر یک در عصر خود و نوع خود یکی پس از دیگری استثناهایی بوده‌اند. در بیشتر مبانی معتبر رایج در زمان خود تبخیر یافته‌اند. از همگنان و همگان گوی سبقت ربوده‌اند. از فقه، کلام، فلسفه، عرفان، اجتماع و هر چه را از رسوم علمی موجود در ساحت تفکر اسلامی به بهترین وجه نصیب برده و آموخته‌اند و در آنها تفوق یافته‌اند و به نادرترین تفکرات در نوع خود دست پیدا کرده‌اند. به روش و موضع فکری خاصی، با اسلوب عمیق و کاملاً سرشار از سیر طراوت در عالم تفکر اسلامی نائل آمده‌اند و به جای پرداختن به تحلیل‌های عقلانی، به پاره‌ای از امور و عقاید ایمان داشته‌اند و توکل کرده‌اند.

و این همان جهش فراتر از اقران است:

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است راهرو گر صد هنر دارد توکل بایندش

حافظ/ غزل ۲۷۶

هر یک در عصر خود روشنفکران نادری بودند که پایه سخن مستقل و اصیلی فراتر از بحث‌های فرقه‌ای و اعتقادی خاص داشته‌اند. آنها در فاصله‌ای امن به طمأنینه خلوتی دست یافتند که موجب شد تمامی شیوه‌های متعارف و غیر خلاق عقل و معرفت صوری و مصلحت آمیز، در جنب ظهور و اسلوب و موضع فکری مهم‌تر خودشان رنگ ببازند. اسلوب

خاصی که به طرز فوق‌العاده چشمگیری در ساحت فکر و منطق آنها ترسیم شده است. خلوص سخت بی‌شائبه و ذهن برتر آنها چه بسا معاصران ایشان را به خشم می‌آورد. کشش عرفانی ایشان از زهد عملی و وجد بی‌محابای صوفیان بسی فراتر بود. با خود آگاهی فوق‌العاده تعجب‌آمیز به ذهن‌های نازل و حقیر می‌تازند. اینان وقتی به عالی‌ترین سطوح قابلیت‌ها و امکانات زبانی می‌رسند خطرناک می‌شوند و نزدیک به نقطه‌ای قدم می‌گذارند که تقریباً اقتدار دینی متشرعان را نفی می‌کنند و سیطره حکومت قلندری خویش را جایگزین قدرت زاهدان دروغین می‌نمایند.

خصوصه حقیقی ایشان شور و هیجان بارزی است با انگیزه‌های بی‌امان برای متقاعد کردن دهران و نفرتی عظیم از چیزهای مبتذل و دروغین و رسوم متعارف و تفسیری از بدایع و کشف‌های غیرمعارف. بدنبال وحدت و توازن و طرح و نقشی تغییر ناپذیر برای یک نظام جدید هستند.

چند بُعدی بودن سرشت فطری اینان به آن درجه‌ای است که بدون باز نمودن کل زوایای اندیشه‌هایشان ظلمت غلبه بر آنان روا داشته‌ایم. خطاست که آنان را صرفاً بی‌هیچ چون و چرا یک عارف، عاشق، یلسا، ملامتی، معرفی کرد. بهره‌مند در دنیای ما بعدالطبیعه با نبوغی استثنایی هستند که مجموعه‌ای از غزلیاتشان از لحاظ وضوح و دقت در انتخاب واژگان و تفصیلات بی‌نظیر است. برخی از اندیشه‌ها و تلقی و قرائتشان را از هستی به صراحت یا ضمنی به باد اتهام گرفته و کنز را نیز خوانده‌اند. گستره اندیشه‌هایی را که صوفیان پرورده بودند به زبان کامل شعر در آورده‌اند. نظم و نسق دادن به دیدگاه شعر عارفانه نسبت به حالت غنائی موفقیت‌آمیز از آب در می‌آید که شعرای معاصر و بعد به آنها به عنوان یک منبع موثق استناد می‌کنند و مکرراً از سروده‌های ایشان نقل می‌کنند آن گونه که مولوی اعتراف می‌کند:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنائی و عطار آمدیم

اینان با زبان صریح و روشن و روان خود، تدریجاً با تعالیم اخلاقی عاشقانه بر ضد اندیشه‌های خشک از مشرب جنبش مبتنی بر قلندری و جوانمردی و شیوه‌های ملامتی بهره می‌گیرند. و در تحولات فکری خود بسی فراتر می‌روند و احترام عمیق بزرگان و مشایخ را بر خود تحریض می‌کنند. و در اقصی نقاط زبان ایرانی مریدانی بر آستان آنها گرد می‌آیند. آنچه در هر مصرع و هر بیت غزلیاتشان موج می‌زند عشق است آن هم عشق

لا یزال و جاودانه که از منبع بی‌پایان انسان دوستی و کمال جویی آنها برخاسته و بر همه‌ی مخلوقات جمیل آفریدگار بزرگ تعلق گرفته است و عراقی به شیوایی تمام می‌گوید:

هر دلی کو به عشق مایل نیست حجره دیو خوان، که آن دل نیست

دریایی از دُر مکنون معانی را در ابیاتی دلنشین به نمایش گذاشته‌اند و در گستره سخن بلیغ و فصیح و فاضلانه به مرتبه و مقام والایی نائل گشته‌اند. در مظاهر صوری، جمال الهی را مشاهده می‌کنند و عشق می‌ورزند و عاشقی پیشه می‌کنند و چون در نزد آنها عشق مایه حقیقت است و جمال دوستی نشانه عشق به کمال است که جمال خود پرتوی از کمالی است که سالک برای وصول به آن می‌جوشد و می‌کوشد.

مسلم است که معجزات و ریاضت، عشق‌های مجازی را از باطن محو کرده‌اند و محبت ذات باری را پدیدار گردانده در عرفان هر کدام سر حلقه سوختگان معرفت و رندان تشنه لب در طریقت سده‌اند. به دلیل پرشوری سخنانشان، اشعار عاشقانه و عارفانه و قلندرانه آنها انگشت نمای ملامتیان روزگار بوده است.

هر یک قلندری تمام عیار هستند چه به سرحاقت کلامشان در قید و بند نام و مقام نیستند. کلامشان دل‌انگیز و دل‌نشین و اثر بخش است چون از دل دردمند برخاسته، دلی که در ماوراء موج می‌زند و از روحی که پر خروش است در همان رایحه سر مست کننده عرفان شاعرانه تنفس می‌کنند که بزرگان و مشایخ قبل از آنس کرده بودند و به درون همان موج معنویت وجد آمیز هدایت شده‌اند.

در نگرش بر این بازتاب از تالاف شعری، این شعرای خبیر و بصیر معانی و مضامینی بر زبان آورده‌اند که هر کدام معانی مستقیم و گاه غیر مستقیمی را با خود همراه می‌آورند. و کلماتی از قبیل: دلق - ردا - سبحه - مسجد - زَنار - کلیسا - شیخ - زاهد - واعظ - خرابات - رند - قَلاش - میکده - پیر مغان و سایر عباراتی از این دست که بار مسایل عرضی و غرضی خارج از قلمرو معمول و مرسوم عرفان و شوریده حالی و پاک نهادی را بر دوش می‌کشند که در حقیقت، کاری به اصل و مبنای حرمتی بعضی از عبارات و کلمات در اندرون اعتقادات خود و دیگران ندارند. کوشش اینها بر این است که بهره‌گیری‌های نیرنگ بازانه دغل‌کاران را در این راه و روش بر ملا سازند و در اندیشه روشن بصورت یک قهرمان خستگی ناپذیر در میدان مبارزه به رفتار و سکناات جماعتی حمله می‌کنند که از این ابزار و عوامل سودجویی‌هایی شیطننت آمیز دارند: **ریا - فریب - دروغ - عهد شکنی -**

منفعت طلبی - ریاست جویی و تحکّم‌های صوفی مآبانه و تمامی مفاسدی که به شکل‌های مختلف بر چهره روزگار نشسته است. ژرف اندیشانی که رنج می‌برند، غصّه می‌خورند و می‌نالند و می‌مویند و بر دردکشان روزگار اشک می‌ریزند و از توهینی که به اندیشه‌شان روا می‌دارند در نمی‌گذرند و از اینکه در لباس تقوی و طاعت، در لباس زهد و خدا پرستی، این همه تلبیس و تزویر بر سر خلق خدا فرود می‌آید، صدای بلند و رسا در فضای بی‌انتهای این کرانه ناپیدای جهان هستی طنین افکن می‌شود، فریاد می‌زنند. در چنین حرکت فکری پر از غلیان روحی، آشفته حال و صداقت جو، نظر نظر و نفس نفس به دنبال یافتن مشربی هستند که به چرخش بیندازند و با طهارت و معنویت به معرکه باورها بزنند و کلماتی بسازند و با این زمینه فکری و شعری پا به میدان مبارزه بگذارند و فریاد عشق و حُبّت - سقانه خود را که نتیجه اخلاص و صفای باطن است به گوش این و آن برسانند و با یک‌رگی کلماتی صدها پیام پر ایهام و سازنده را به گوش اهل سخن و معنی برسانند. و این بدفوقی مملی می‌شود که بندها و علقه‌های زنجیری، قیود و رسوم و عادات و قواعد معرور که در خراب شوند و از خانقاه و مسجد و منبر و تسبیح فاصله بگیرند. و با رهایی از ابزار قیود بگیچ چهره‌ها را به سوی بی‌خبری مستانه برگردانند و آب آتشگون طلب کنند و با رهایی از خفایات سخیف نمایشی با اخلاص و صفا و مبارزه با نفس و اجتناب از رعونت، حبّ جاه و مقام به آزادی و وارستگی بشری برسند. ولی کسوت و رفتار نامتنجانس و نامعمول از نظر صفات و زاهدان ظاهر الصلاح، آنها را در جرگه ملامتی‌ها قرار می‌دهد و ظاهر شماتت خیز آنها، زاهدان را با تردید در کیفیت حالشان بر می‌انگیزد. ولی برای گریز از آزار کده شیخان رندی و زاهدان و قلندران به اوج بلاغت می‌رسد که از نظر کلام و معنی برای همگان شگفتی آور ادبیت غزلیات قلندران و رندانه رسوا کننده تبهکارانی می‌شوند که گرفتار عجب و تکبر در ظلمت نال شده‌اند. در این رشته از غزلیات زنده و پویا از خدعه‌گری‌ها - نقش بازیها - ظاهر سازی‌ها و ردّایل اخلاقی سخن رانده می‌شود. شاعر گرفتار ملامت‌ها و آزارهای رایج قلب کاران و دغل‌بازان و تاریک‌دلان و سیه چهرگان واقع می‌شود و تیر تهمت و افترا و تکفیری را که در آستین دارند و به سوی آنها می‌سازند، سینه بی‌سپر و پر از شور و غوغا را هدف تیر ملامت قرار می‌دهند. غزلیات حافظ و عطار و عراقی عصاره معارف زمان است، مجموعه‌ای است از صنایع ادبی، حکمت‌ها و نکته‌ها، کاخ بلندی است در فرهنگ ایران زمین، غزلیاتشان سرود روح ایران است آیین‌های از مجموعه افکار و معتقدات در هم شوریده آنها، چشمانی حیرت بار به اوضاع زمان و نظری شاد و پر امید به آینده. درس شادی زندگی و انسان دوستی.

یافتن و باز گفتن تمامی نکته‌هایی که بر اثر موانع گفتن نتوانسته آشکارا بگویند با ترفند و اشاره، و زبان رمز به مرور انجام پذیرفته و هر بار به اقتضای زمان گوشه‌ای از آنها روشن شده است. بعضی موارد ملاحظات اجتماعی به شاعر اجازه نداده است که حرف خود را روشن بگوید. در غزلیات این سه شاعر بعضی اصطلاحات عرفانی وجود دارد، که به حدی با معانی ساده کلمات آمیخته‌اند که جدا کردنشان آسان نیست. بی‌شک رمزگرایی و تعبیر و تأویل برای پرده پوشی در برابر عوام از لوازم کاری اینان است اما رمز این تعبیر و تأویل‌ها کجاست معلوم نیست.

چند توضیح ضروری

۱- در این اثر برای و نثار برخی از بزرگان و مشایخ بزرگ تصوف و صاحب نظران مورد ارزیابی و نقادی قرار گرفته است، ولی این الزاماً به منزله اسائه ادب و بی‌حرمتی نسبت به شأن علمی و اجتماعی آنان نیست. با این همه بر خود لازم می‌دانم که مراتب احترام و تکریم خویش را در کنار تواضع به ساحت علمی آن بزرگواران ابراز دارم و اعلام کنم که حرمت مفاخر و همتایان بر همه دوستداران فرهنگ و ادب ایران فرض است.

۲- در بررسی‌های خود در این پژوهش شعر هر شاعری به صورت «نام شاعر/ شماره غزل، یا صفحه دیوان» آمده است در مورد حافظ نه تنها نام و نام خانوادگی و دکتر غنی اساس کار بوده است. در بررسی‌های مربوط به عطار، از چارلز دکتر تقی تفضلی استفاده کرده‌ام و در مورد فخرالدین عراقی چاپ سعید نفیسی را مایه کار قرار داده‌ام، و در موارد معدودی که چاپ دیگر مورد نظر بوده نام مصحح ذکر شده است.

۳- مآخذ و مراجع مورد استناد، عموماً در متن قید شده است و گاهی هم به ضرورت عنوان کامل مآخذ مورد استناد در پاورقی همان صفحه ذکر گردیده است.

۴- تعبیرها و مطالب داخل گیومه برگرفته از شعرا و نقل قول مستقیم است، اغلب با حفظ رعایت سبک و سیاق نگارش اصلی آن. مگر در مواردی که تلخیص یا نقل به معنا و مضمون باشد.

۵- این پژوهش فرایند رنج و مرارت کسانی است که در طول عمر خود، تعلیم گرفته و از شجره دانش و دریای فضل آنها برخوردار شده‌ام، البته به قدر توان و قابلیت و بضاعت مزاجه خویش که جا دارد یاد و خاطره آنها را گرامی بدارم:

الف) بایسته وشایسته است که از مادر عزیز خویش یاد کنم که هستی من، زهستی اوست و مرا در دامن مهر خود پرورد.

ب) از مرتبی اول - پدرم - و همه آموزگاران و دبیران و استادان خودم در خانه و مدرسه و دانشگاه که مرا نکته‌های دقیق آموختند همه ایشان را تکریم می‌کنم و در برابرشان سر تعظیم فرود می‌آورم و به روان رفتگان از جمع ایشان صمیمانه رحمت می‌فرستم و برای زندگان، عزت، شادمانی، تندرستی آرزو دارم.

ج) این تحقیق در اصل پایان نامه دکتری اینجانب در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بهران بود که در سال ۱۳۸۵ به سرانجام رسید. البته در طی چند سال اخیر، متن پایان نامه را چند بار با صبر و حوصله بازبینی و اصلاح کردم و اکنون به توفیق الهی برای چاپ و نشر آماده کرده‌ام. امید است مورد پسند و استفاده علاقه‌مندان واقع شود. توفیق بزرگی که در این مسیر نصیب من شد استادان ارجمندی است که هر کدام به نحوی مرا مدد داده‌اند و راه را برای من هموار نموده‌اند:

باید از استادان عزیز ده دکترایاد و تشکر کنم که بنده را با گشاده‌رویی پذیرفتند و از نخستین گام تا وصول به منزل مقصود با من همراهی و سازگاری کردند که این همراهی و همدلی بیش از حد انتظار بود. برابر آشفته کاری اولیه و اصلاح نوشته‌ها هیچ ملال خاطری ابراز و اظهار نداشتند، با محبت و انبساط خاطر و متانت مراقب پیشرفت کار بودند. با فراهم ساختن مآخذ و منابع مورد نیاز در حد امکان دقیقه‌ای از کمک فروگذار نبودند. بی‌تردید تشویق و تحریض اصلی به من بود که کار به ثمر نشست. همواره از مشورتها و راه‌گشایی‌های بی‌دریغ آنها برخوردار بوده‌ام. هایشان را به یاد خواهم داشت.

۶- واضح است که تحقیق و پژوهش کاری توان‌فرسا است. به خصوص هنگامی که در مسیر به چاه و چاله مجهولات می‌افتی و برای برون‌شدن از آن تقاضا می‌کنی، یا وقتی که دچار گره‌خوردگی فکری می‌شوی و احساس ناتوانی، عجز استخوانها را می‌فشارد ناخواسته کنش‌های غیر ارادی اطرافیان را می‌آزارد که نگارنده این سطور هم از این قاعده کلی مستثنی نبوده است. لذا از همه اطرافیان سببی و نسبی و دوستان گرامی خود در این مدت نسبتاً طولانی تحصیل و تحقیق که بدخلقی‌ها و بی‌توجهی‌های ناخواسته و غیر ارادی مرا مشفقانه تحمل کرده‌اند و دم بر نیاورده‌اند، پوزش می‌خواهم و با کمال امتنان و از محضر ایشان طلب عفو و بخشش می‌نمایم.

۷- هدف از این پژوهش، ادای دین به فرهنگ و ادب غنی و سرشار این مملکت است که عطار، عراقی، حافظ، از استوانه‌های آن هستند و بنده شاید توانسته‌ام گوشه‌ای از زوایای روحی این ستارگان درخشان را شناسانده باشم. باز نمی‌دانم که به این توفیق نائل آمده‌ام یا نه؟ اگر پاسخ این پرسش موجب «روسپیدی» باشد، این پاداش مرا بس است.

۸- در فراهم آمدن این مجموعه ده‌ها کتاب و منابع ارزشمند را دیده و مطالعه کردم که فهرست آن را آورده‌ام تا بتواند هنگام مراجعه، راه گشای علاقه‌مندان باشد ولی بر این باورم که در نوردیدن دشت پرشکوه و سر سبز ادبیات، سواری بردبار و باره‌یی راهوار و زمانی بسیار نیازمند است تا به گفته مولوی:

خمی از کوچه این سال و مسطوری از این گلزار بیکران را چون عطار رندانه بنگرد.

۹- در این اثر برخاسته از مطالب تکراری دیده می‌شود، اما این تکرار نه به جهت سهو و نه به لحاظ عمد، بلکه به دلیل نیاز به تکرار هر بیت و مطلب ممکن است از چند جهت افاده معنی کند که منجر به تکرار در مباحث مختلف گردد.

۱۰- نگارنده این مطالب نه ادعای تامل و توغل در فِرَق اسلامی را دارد و نه خود اهل ذوق و وجد است و نه بر این باور است که حرف جدیدی در این راستا دارد، اما برای اندیشه‌شناسی و نگرش در نظام فکری ملامتیه چند برگگی از کتاب‌های اسلاف را ورق زده است و این اثر برای بازیافت نظام فکری ملامتیه و نگرستن از دریچه فکری آنان به غزلیات عطار، فخرالدین عراقی و عطار فراهم آمده است. بی‌گمان این اثر هم بدون کاستی و لغزش نیست باشد که دوستان ادب، سرور و پژوهشگران صاحب نظر از یادآوری کاستی‌ها از سر مهر بی‌بهره‌ام نگذارند. با عرض عین بنده را در این موضوع یاری فرمایند.

۱۱- بر خود فرض میدانم از تلاش و زحمات مدیر محترم انتشارات آوای نور تهران و همکاران ایشان کمال تشکر را داشته باشم. توفیق و سلامتی ایشان را در راه ترویج و گسترش علوم و دانش‌های بشری از خدای متعال خواهانم.